



مقاله

عصر تغییرات ساز

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
بررسی ناهنجاری‌های اجتماعی در مدارس
و ارائه راهکارهای عملی

کریم عباسی اول

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

مقدمه

برای همه ما پیش آمده است که احساس اضطراب، افسردگی و خشم بیش از حد کنیم. داشتن یک زندگی رضایت‌بخش و پرمعنا در این عصر که عصر تغییرات سریع اجتماعی و فنی است، آسان نیست. بسیاری از اعتقادات سنتی ما درباره کار، دین، امور جنسی، ازدواج و خانواده زیر سؤال رفته است و آن ارزش‌های اجتماعی که برای پدربزرگ‌های ما احساس امنیت به ارمغان می‌آوردند، دیگر راهنمای رفتاری خوبی برای انسان‌ها نیستند. علاوه بر این، طیف وسیعی از رفتارها ناهنجار تلقی شده‌اند. بعضی رفتارهای ناهنجار حاد و گذرا هستند و از حوادث پرفشار خاص ناشی می‌شوند؛ در حالی که برخی دیگر مزمن و همیشگی هستند. مشکلات رفتاری و هیجانی هر فرد بی‌همتا است و نمی‌توان دو نفر را یافت که درست به یک شکل رفتار کنند یا تجارب یکسانی در زندگی داشته باشند. البته وجود مشابهت‌های کافی، متخصصان سلامت روانی را قادر ساخته است که بیماری‌های روانی را در مقوله‌های متعددی طبقه‌بندی کنند (هیگلگارد - ریفیکی، ۱۳۸۳: ۱۵۴-۱۵۳).

کلیدواژه‌ها: ناهنجاری، ناهنجاری اجتماعی

معنی و مفهوم ناهنجاری

منظور از «رفتار ناهنجار» چیست؟ در این موارد توافق کلی وجود ندارد؛ هر چند در توصیف ناهنجاری اغلب بر یک یا چند تعریف زیر تکیه شده است.

الف - انحراف از هنجارهای آماری: کلمه

ناهنجار به معنای «دور از هنجار» است. بسیاری از خصوصیات از قبیل قد، وزن و هوش یک جمعیت دارای مقادیر مختلفی است. بیشتر افراد قد متوسطی دارند؛ در حالی که تعدادی نیز به میزان ناهنجاری بلند یا کوتاه‌اند. یکی از تعاریف ناهنجاری بر فراوانی آماری مبتنی است: رفتار ناهنجار فراوانی آماری ندارد یا از هنجار انحراف دارد. طبق این تعریف، کسی که بسیار باهوش یا شاد است، باید در طبقه ناهنجار قرار گیرد. پس، در تعریف رفتار ناهنجار باید چیزی بیش از عدم فراوانی آماری را لحاظ کنیم.

ب - انحراف از هنجارهای اجتماعی: هر جامعه‌ای برای رفتارهای قابل قبول معیارها و هنجارهای معینی دارد. رفتاری که از این هنجارها انحراف قابل توجهی داشته باشد، ناهنجار محسوب می‌شود. معمولاً و نه همیشه آمار این‌گونه رفتارها نیز در آن جامعه فراوان نیست. رفتاری که در یک جامعه خاص بهنجار محسوب می‌شود، ممکن است در جامعه دیگری ناهنجار باشد؛ مثلاً در بعضی فرهنگ‌های آفریقایی شنیدن صدا بدون هیچ سخنگویی یا دیدن تصاویر بدون وجود چیزی چندان غیرعادی نیست اما همین رفتارها در بیشتر جوامع ناهنجار تلقی می‌شود. از سوی دیگر، مفهوم ناهنجاری حتی در یک جامعه نیز در طول زمان تغییر می‌کند. چهل سال پیش، بیشتر آمریکایی‌ها کشیدن ماری‌جوانا یا نیمه برهنه بودن در ساحل دریا را از جمله رفتارهای ناهنجار می‌دانستند. امروزه این رفتارها بیشتر تفاوت‌هایی در سبک زندگی تلقی می‌شوند تا علائم ناهنجاری.

پ - غیرانطباقی بودن رفتار: بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی به‌جای تعریف رفتار ناهنجار برحسب انحراف از هنجارهای آماری، مهم‌ترین معیار را تأثیر این رفتار بر سلامت فرد یا گروه اجتماعی می‌دانند. طبق این معیار، رفتار اگر غیرانطباقی باشد یا بر فرد یا جامعه تأثیرات منفی داشته باشد، ناهنجار است. بعضی رفتارهای منحرف

مخل سعادت فردند؛ مثلاً رفتار مردی که آن قدر از جمعیت می‌ترسد که نمی‌تواند برای رفتن به محل کارش سوار اتوبوس شود. برخی دیگر از رفتارهای منحرف به جامعه آسیب می‌رسانند؛ مانند رفتار شخص بدگمانی که نقشه ترور مسئولان مملکتی را می‌کشد. تمامی این رفتارها برحسب معیار غیرانطباقی بودن، ناهنجارند.

ت - ناراحتی شخصی: چهارمین معیار ناهنجاری، احساس ناراحتی ذهنی فرد است نه رفتار وی. اغلب کسانی که بیمار روانی تشخیص داده شده‌اند، احساس بیچارگی می‌کنند. آنها مضطرب، افسرده یا ناراحت‌اند و بیشترشان به بی‌خوابی، بی‌اشتهایی و دردهای متعدد دچارند. گاهی ناراحتی شخص می‌تواند تنها نشانه ناهنجاری باشد؛ در صورتی که برای یک مشاهده کننده تصادفی ممکن است رفتار وی بهنجار به نظر آید.

ضرورت پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی

سلامتی یک امر اساسی و مهم در زندگی انسان است و وجود افراد سالم، از شرایط مهم و انسانی برای رشد یک جامعه به حساب می‌آید. جامعه‌ای که به سلامت جسم و روان اعضای خود توجه می‌کند، ضمن صرفه‌جویی در تأمین هزینه‌های سرسام‌آور درمانی، انسان‌هایی سالم را نیز پرورش می‌دهد که این خود ضامن رشد فردی و اجتماعی آن جامعه است.

کودکان و نوجوانان در سنین ۶ تا ۱۸ سالگی به‌طور متوسط ۱۲۰۰۰ ساعت را در مدرسه می‌گذرانند. پس از خانواده، مدارس، کانون اصلی زندگی به‌شمار می‌روند و فعالیت‌های مدارس در زندگی این گروه سنی به صورت فعالیت اصلی درمی‌آیند. امروزه به لحاظ تربیتی روشن شده است که مدرسه شکل‌دهنده ساختارهای روانی و شخصیتی دانش‌آموزان است. مدرسه محیطی است که دانش‌آموزان در آنجا شایستگی، شکست، موفقیت، محبوبیت، انزوا، طرد و... را تجربه می‌کنند. (فراهانی و کرمی نوری، ۱۳۸۳: ۱۵۳)

مهم‌ترین سطح پیشگیری، پیشگیری در سطح اول است؛ زیرا در آن کاهش موارد جدید اختلال روانی مورد توجه است و هدف آن جلوگیری از ابتلای جمعیت سالم به بیماری روانی است. از سوی دیگر، «علاج واقعه، قبل از وقوع باید کرد». به همین منظور و برای حفظ سلامت روانی، سازگاری با محیط (اعضای خانواده، همکلاسی‌ها، همکاران، همسایگان و به‌طور کلی اجتماع)، حل مناسب تعارض‌های هیجانی و مقاومت در برابر ناکامی‌ها، لازم است از بروز و ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی جلوگیری شود.

رهنمودهای عملی جهت پیشگیری از برخی ناهنجاری‌های اجتماعی در مدارس

- از مقایسه کردن دانش‌آموزان با یکدیگر یا با دیگران جداً بپرهیزید.
- توانمندی‌های دانش‌آموزان را مدنظر قرار دهید نه ضعف‌ها و ناتوانی‌های آنان را.
- روابط عاطفی گرم و پذیرا با دانش‌آموزان برقرار کنید.
- به شخصیت و نیازهای اساسی دانش‌آموزان توجه کنید.
- کارها را طبق استعداد و تمایلات دانش‌آموزان، میان آنها تقسیم کنید.
- دانش‌آموزان را با القاب نامناسب صدا نزنید و از مسخره کردن آنها اکیداً بپرهیزید.
- تحمل بچه‌ها را برای مواجهه با ناکامی‌های احتمالی افزایش دهید.
- مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان کم‌رو و دارای عزت‌نفس پایین را تقویت کنید.

پس از خانواده، مدارس، کانون اصلی زندگی به‌شمار می‌روند

● **اصل پریماک:** این اصل توصیه می‌کند قبل از اینکه دانش‌آموزان را به انجام دادن تکالیف یا فعالیت‌های لذت‌بخش تر رهنمون شوید، اول آنها را به انجام دادن تکالیف ناخوشایند ترغیب کنید. این اصل اغلب «قانون مادر بزرگ» نامیده می‌شود. دانش‌آموزی که به نوشتن علاقه ندارد ولی خواندن را دوست دارد، ابتدا باید تکلیف نوشتن را انجام دهد و سپس به خواندن بپردازد (کدیور، ۱۳۸۳).

● **اصل جریمه کردن:** برای کاهش رفتارهای نامطلوب از جریمه استفاده کنید؛ به این ترتیب که ژتون‌ها یا تقویت‌کننده‌های کسب شده قبلی را حذف کنید. مثلاً هر روز که تکلیف دیر انجام شود، دانش‌آموز امتیازاتی را از دست بدهد. اطمینان حاصل کنید که دانش‌آموزان فهمیده‌اند که علت گرفتن تقویت‌کننده‌ها از آنها عدم رعایت قواعد و اصول رفتاری یا آموزشی خاصی است (کدیور، ۱۳۸۳).

● **اصل محروم کردن:** از محروم کردن هنگامی استفاده کنید که رفتار، قابل گذشت و چشم‌پوشی نباشد. مهم این است که دانش‌آموزان بدانند چه رفتارهایی استثنا هستند. اگر آنها بدانند که رفتارهایی مثل پرخاشگری را نمی‌توان تحمل کرد و به دلیل این‌گونه رفتارها محروم و اخراج می‌شوند، رنجیده نخواهند شد. باید مطمئن شوید که آنها می‌دانند رفتار خود را چگونه جبران کنند (کدیور، ۱۳۸۳).

● **اصل قراردادهای پیمانی:** منظور از قراردادهای پیمانی استفاده از قوانین مکتوب برای تشخیص چگونگی رفتار و تقویت‌های آن برای هر دانش‌آموز است. معمولاً یک قرارداد آنچه را که از دانش‌آموز انتظار می‌رود، مشخص می‌کند. در هر قرارداد، معمولاً تاریخی برای بررسی و تجدیدنظر وجود دارد که امکان ارزشیابی از موقعیت را فراهم می‌آورد. قرارداد زمانی مؤثرتر است که معلم و دانش‌آموزان در ایجاد آن مسئولیت مشترکی به گردن بگیرند و قرارداد را با همکاری یکدیگر تنظیم و اجرا کنند (کدیور، ۱۳۸۳).

● **اصل سرمشق‌دادن:** برای اینکه فرد رفتار تازه‌ای را بیاموزد، تربیتی بدهید تا بتواند کسی را که مورد علاقه، احترام یا توجه اوست، در حال انجام دادن آن رفتار مشاهده کند (بختی، ۱۳۸۵).

● **اصل اشباع:** برای اینکه کودکی رفتار نامطلوبی را ادامه ندهد، به او اجازه دهید (حتی با اصرار) که آن رفتار را آن قدر تکرار کند تا خسته شود و از آن دست بردارد (بختی، ۱۳۸۵).

● **اصل تقویت منفی:** برای اینکه کودکی را از انجام دادن رفتاری نامطلوب بازدارید، تربیتی بدهید که او با اصلاح کردن رفتار خود بتواند به موقعیتی که برای او ناخوشایند بوده است، پایان دهد (بختی، ۱۳۸۵).

● **تقویت اعتقادات مذهبی و پایبندی به وظایف:** یکی از عوامل ناهنجاری‌های اجتماعی این است که ساختارهای اجتماعی چندان بر مبنای اصول دینی استوار نشده است. به عقیده نویسنده، مشکل اصلی جامعه امروز ما این است که هنوز ارزش‌ها و هنجارهای دینی به خوبی تعریف نشده‌اند. دین به زندگی معنی می‌بخشد و انسان را به سرچشمه حیات نزدیک می‌کند؛ بنابراین اولین قدم در راه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی امور اجتماعی بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای دینی است.

● **آگاهی از وضعیت خانواده:** محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عامل در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان و زمینه‌ساز رشد جسمانی، عقلانی، اجتماعی و اخلاقی آنان است. روان‌شناسان بر این باورند که ریشه رفتارهای ناهنجار و بزهکاری‌ها را باید در سنین اولیه کودکی و درون خانواده جستجو کرد. بنابراین، اولاً لازم است عوامل خانوادگی (طبقه اجتماعی - اقتصادی، سطح سواد والدین، حالت‌های روانی - اجتماعی، تعداد فرزندان و...) بررسی شوند و ثانیاً ارتباط خانه و مدرسه افزایش یابد؛ یعنی، خانه پلی قوی برای مدرسه و به عکس باشد و کلاس‌های آموزش خانواده فعال شوند.

● **ایجاد روابط سالم اجتماعی:** در جامعه افراد با یکدیگر روابط برقرار می‌کنند. این روابط باید سالم باشند؛ یعنی در آن‌ها حقوق طرفین رعایت شود. کارکرد این شبکه سالم حقوقی این است که جامعه از هم‌بستگی اجتماعی بالایی برخوردار می‌شود. بنابراین، هر قدر هم‌بستگی اجتماعی افزایش یابد، از میزان ناهنجاری‌های اجتماعی کاسته خواهد شد. از جمله روابط سالم و مطلوب هدیه‌دادن، احترام، صمیمیت، عفو و گذشت، ایثار و انفاق است. در پرتو این روابط هرکسی موقعیتی دارد، از حق برخوردار است و نگران ضایع شدن حق خود نیست (حاج حسینی، به نقل از سبحانی جو: ۲۸).

● **علم‌اندوزی و تخصص‌گرایی:** دانش‌آموزان لازم است اطلاعات خود را روزبه‌روز غنی‌تر سازند تا از خود و نظام هستی شناخت بیشتری حاصل کنند. انسان موجودی آزاد و صاحب اختیار است و نیازهای عقلانی او از طریق علم و دانش، تفکر و تعقل، پرسش و پاسخ برآورده می‌شود؛ بنابراین، هر چه علم‌اندوزی او بیشتر شود، تخصصش بالاتر می‌رود و این باعث پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود.

● **شناخت دوستان و همسالان دانش‌آموزان:** گروهی از دانش‌آموزان به دلیل تلاش برای سازگاری و صمیمیت با دوستان و همسالان و همرنگی با آنان، موجودیت خود و خانواده خویش را از یاد می‌برند و در برابر هر خواسته و آرزویی تسلیم می‌شوند. برای حل این مسئله، والدین و مربیان لازم است دوستان فرزندان خود را بشناسند، در عین اقتدار با آنان رابطه برقرار کنند و نیازهایشان را در حد توان برطرف سازند.



● **مقابله با فقر مادی خانواده:** بین فقر مادی و ناهنجاری اجتماعی ارتباط وجود دارد؛ زیرا فقر و نداری باعث محرومیت از امکانات آموزشی می‌شود و دانش‌آموز نمی‌تواند هیچ تخصص و حرفه‌ای را پیشه خود سازد. همین امر باعث کشیده شدن گروهی از دانش‌آموزان به سوی ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود.

● **شناخت خصوصیات کودکان و نوجوانان:** روان‌شناسان معتقدند که در دنیا هیچ دو نفری را نمی‌توان یافت که از هر لحاظ شبیه هم باشند. بر این اساس، هر دانش‌آموز فردی است منحصر به فرد و متفاوت با دیگران؛ بنابراین اولاً لازم است تفاوت‌های فردی مورد توجه کافی قرار گیرند و ثانیاً ویژگی‌های دانش‌آموزان شناخته شوند.

● **آموزش انعطاف‌پذیری:** انعطاف‌پذیری یعنی ظرفیت داشتن انسان برای تغییر در مقابل تجربیات مثبت و منفی زندگی (فراهانی و کرمی نوری، ۱۳۸۲). دانش‌آموزان باید بدانند که زندگی مراتب مختلفی دارد: شیرینی‌ها و تلخی‌ها، خوبی‌ها و بدی‌ها، بلندی‌ها و پستی‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌ها. آنچه مهم است، شناخت توانایی‌ها و انجام دادن کار در حد توان است. لازم است برای زندگی برنامه‌ریزی کرد و برای رسیدن به هدف کوشید. دانش‌آموزان باید بپذیرند که می‌توان خود را تغییر داد و پایگاه اجتماعی را تقویت کرد؛ مانند دانش‌آموزی که در ابتدا پرخاشگر است و مورد نفرت همسالانش قرار دارد، اما پس از موفقیت در یک رشته علمی و قهرمان شدن، مورد مقبولیت خاص قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

بهنجار کسی است که رفتار او به رفتار بیشتر مردم نزدیک است و به افراط یا تفریط انحراف ندارد. متقابلاً، نابهنجار کسی است که رفتار او از رفتار بیشتر مردم دور است و به افراط و تفریط میل دارد. برای تشخیص نابهنجاری از هر چهار معیار فراوانی آماری، انحراف اجتماعی، رفتار غیرانطباقی و ناراحتی شخصی استفاده می‌شود. مشکلات رفتاری و هیجانی هر شخص بی‌همتا است؛ نمی‌توان دو نفر را یافت که درست به یک شکل رفتار کنند یا در زندگی تجارب یکسانی داشته باشند.

از رهنمودهای عملی برای پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی در مدارس، می‌توان به پرهیز جدی از مقایسه دانش‌آموزان با یکدیگر، مدنظر قراردادن توانمندی‌های کودکان و نوجوانان، پرهیز از مسخره کردن دانش‌آموزان و دادن القاب نامناسب به آنها، توجه به احساسات و عواطف دانش‌آموزان، آموزش حالت پذیرندگی و افزایش تحمل به بچه‌ها برای مقابله با ناکامی‌ها و فشارهای روانی اشاره کرد. همچنین از اصول مهم برای جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی در مدارس، می‌توان از اصل سرمشق‌دادن، اصل اشباع، اصل تقویت منفی، اصل پرمیامک، جریمه کردن، محروم کردن و قراردادهای پیمانی یاد کرد. برای پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی در مدارس لازم است روش‌های تربیتی براساس ارزش‌ها و هنجارهای دینی جهت‌دهی شوند، زمینه‌های خانوادگی و فقر مادی خانواده بررسی گردند، ویژگی‌های نوجوانان براساس وجود یا نبود عزت‌نفس، خویش‌داری، اضطراب، افسردگی و... مورد مشاهده قرار گیرند، حقوق مشخص نوجوان و خانواده رعایت گردند، به علم‌اندوزی و تخصص ارزش داده شود و شیوه ارتباطی کودکان و نوجوانان با دوستان و همسالانشان مورد بررسی قرار گیرد.

از اصول مهم برای
جلوگیری از ناهنجاری‌های
اجتماعی در مدارس، می‌توان
از اصل سرمشق‌دادن، اصل اشباع،
اصل تقویت منفی، اصل پرمیامک،
جریمه کردن، محروم کردن و
قراردادهای پیمانی یاد کرد

منابع

۱. اتکینسون، اسمیت، بم، هکسما - اتکینسون: زمینه روان‌شناسی هیلگارد، مترجم: حسن رفیعی و همکاران، تهران، انتشارات ارجمند، ۱۳۸۲.
۲. بختی، نورمحمد؛ «شناسایی فراوانی تنوع اختلالات رفتاری شایع در بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی و راهنمایی»، ۱۳۸۵، تربیت، ماهنامه پرورشی آموزش و پرورش، سال ۲۱، شماره ۷.
۳. سبحانی‌جو، حیاتی؛ «نسل جوان، بحران هویت و راه‌های پیشگیری از آن»، پیوند، نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی انجمن اولیا و مربیان، شماره ۳۰۵، ص ۲۸.
۴. کدیور، پروین؛ روان‌شناسی تربیتی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
۵. فراهانی، محمدنقی و کرمی نوری، رضا؛ روان‌شناسی رشته معارف و انسانی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۲.

